



۲۰۱۴/۰۹/۲۱



عارف عباسی

## به حلقه های زنجیر اسارت ملت افزوده شد

با اندکترین بهره از درایت سیاسی، واقع بینی و دور اندیشی، قبل از ایستادن در برابر ملت تعهد سپردن، وعده دادن و اعلام مش های آینده را نمودن یک سیاستمدار در حساس ترین حلقه های تاریخی کشور باید توانمندی های خود را با جمیع عوامل ذیدخل داخلی و نفوذ و نقش بیرونی مورد محاسبه قرار می داد و بعد از وزن نمودن امکانات عملی تعهد می سپارید و به اصطلاح هموطنان هزاره ما «چین زور از خوگپ موزد». سخنان یک نامزد ریاست جمهوری نزد مردم به حیث لاف و پتاق و عوام فریبی تلقی نشده بلکه این تعهدات است که انگیزه اصلی مخصوصاً قشر دانا و آگاه افغانستان در سهم گیری در یک فعالیت سیاسی گردیده و مسیر کلی یک تعامل را تغییر می دهد، بیانات یک نامزد رئیس جمهوری را مردم سخن سرایی سر غوندی برای فریب مردم نپنداشته بلکه آنرا به حیث اسناد تاریخی در دل و دماغ خود جا می دهند، و هر تبصره، بیانیه و حتی صحبت های شخصی کسی که در این موقف باشد ثبت اوراق تاریخ می گردد. منتظم یک مظاهره برای شعله ور ساختن احساسات مردم و حصول منظور خاص خود هر چه می خواهد می گوید ولی این سخنان را بادهای موسمی همراهی کرده چندان یادی از آن باقی نمی ماند.

اما اگر نامزد ریاست جمهوری تعهد می سپارد که:

### «اداره من شرکت سهامی نخواهد بود، و برای من قانون اساسی، یگانه دستور کار خواهد بود»

ولی آخر الامر به سازشی تن می دهد که شرکت سهامی بر آن شرف داشته و در واقعیت تقسیم قدرت به شیوه معامله گری و جور آمد نامشروع، نا جوانمردانه و خلاف وعده ها و تعهدات صورت گرفته و تن دادن سخت جبونانه به خواسته های گروه زورگو، جنگ طلب و آشوب گر بود. این اعلامیه رسمی توافقی نهایی نه تنها نادیده گرفتن قانون است بلکه اهانت بزرگ به هشت ملیون افغانی است که خوش باورانه به صندوق های رأی شتافتند و این اراده تاریخی و بی نظیر شان زیر پای سم اسپان خود خواهی های ارباب زور و قدرت قرار گرفت و این عمل نقض علنی و بی حرمتی و درهم شکستن واضح وثیقه ای است که در ظرف این سیزده سال به نام قانون اساسی شناخته شده بود. بدون شک آن چه صورت گرفت موفقیت بزرگ برای عبدالله و دار و دسته اش بوده هر چه می خواستند بدست آوردند و نام کاندید بازنده را هم به برنده ای دوم تبدیل کردند.

در این اظهار تعجب، خشم و غضب، من تنها نیستم، می دانم به صد ها هزار افغان وطن پرست و آرزومند ایجاد یک دولت بر پایه های حاکمیت ملی و فرمانروایی راستین قانون و رهایی اکثریت از استبداد سیاسی و مالی تفنگ سالاران و ارباب جنگ بودند، یقین دارم که ضربه و درد این سلی نا امیدی را همه احساس می نمایند.

### هموطن!

باور کن در همین لحظه به حدی تحت تأثیر احساسات قرار دارم و ظلمی که در حق این ملت توسط این دسیسه صورت گرفته به اسارت ابدی که این ملت کشانده می شود توان نگهداشت تسلسل کلام را از من ربنده، ولی پناه گاهی چون همین قلم شکسته ندارم و صدای مرا غرور، خود خواهی و حسادت تلویزیون والایی خاموش ساخت چاره دیگر جز این سراغ ندارم که این درد جانکاه را با تو ای وطندار هم صدا و همنوایم شریک سازم.

امروز اعلام نتایج نهایی انتخابات دور دوم را که طی جلسه ای توسط داکتر یوسف نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات اعلام گردید در صفحه تلویزیون آریانای کابل دیدم. در این اعلامیه صرف گفته شد داکتر اشرف غنی احمد زی به حیث رئیس جمهور انتخاب شد، به چند رأی و کسب چند فیصد آراء؟ چیزی تذکر نیافت و از تعداد آراء حساب شده ای داکتر عبدالله طفره رفت. و اعلام نتیجه معمول را دانسته، عمداً و قصداً کتمان نمود. به حیث رئیس کمیسیون باید به رئیس جمهور تبریک می گفت ولی من دلیلی برای مبارک گفتن به عبدالله نیافتم. چه پست رئیس اجرائیه هیچ نوع ارتباطی به انتخابات نداشت. این یک سازش فرمایشی و تحمیلی فرا قانونی بود که بین یکی که رئیس جمهور و دیگری که بر اساس قانون هیچ کاره نبود به امضاء رسید و اما مردم افغانستان به رئیس جمهور رأی داده بودند و نه به رئیس اجرائیه.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

هر بخش این موافقتنامه مستلزم غور همه جانبه و به ارتباط آینده مملکت قابل ارزیابی عمیق است و پیام دهنده یک آشوب تباه کن. در لای بسی موضوعات بازی با کلمات یک مطلب جداً قابل توجه است و آن عبارت از نقش رئیس اجرائیه به حیث رهبر اپوزیشن است. اپوزیشن یا جریان مخالف حکومت باید از بطن جامعه برخاسته و اعمال حکومت بر سر اقتدار را مراقبت و در بسی موارد به آن در تضاد قرار می گیرد و زمینه موفقیت خود را در دور آینده انتخابات فراهم می سازد، این طریقی است که در دیموکراسی های جهان متداول است اما در افغانستان این چه رسمی عجیب است که رئیس اجرائیه با تمام صلاحیت های بیحد و حصر توضیح شده که هم رکن دولت است و همکار و دستیار رئیس جمهور شناخته شود و در عین حال رهبری اپوزیشن را به عهده بگیرد. اصلاً چرا ایجاد اپوزیشن به فرمان رئیس جمهور شکل گیرد در حالی که اپوزیشن توسط مردم به رهبری یک شخص و یا یک شورا از بطن جامعه بر می خیزد.

این تجویز که بکلی خلاف معمول و اعجاب آفرین است چگونه در این توافقنامه گنجانیده شده. عبدالله از این دو باید یکی را انتخاب می کرد، رئیس اجرائیه و یا رهبر حزب مخالف که در حالت دومی حق مسلم قانونی او بوده ضرورت به فرمان نبود.

اصلاً قبل از آگاهی به متن این موافقتنامه و رسمیت آن، روی نوشته ای تحت عنوان:

### « افغانستان به بحران نی بلکه بسوی نابودی و برپادی روان است »»

کار می کردم و در اندیشه سراغ راه بیرون رفت بودم ولی تحول تازه و توافق بر سر حکومت شقاق ملی و تداوم اسارت مردم افغانستان محتوی نوشته ام را تغییر داد و انشاءالله با بازنگری به متون آن را غرض نشر خواهم فرستاد.

حالا درک می کنم که شاغلی "اسمعیل یون" که یک فعال سیاسی در داخل کشور است با پیش بینی چنین حالت کنار رفتن اشرف غنی را برایش افتخار تاریخی دانسته و این چنین تن دهی و تسلیم شدن ننگین را پامال نمودن حق مردم افغانستان می دانست. "یون" می دانست که عبدالله و دار و دسته اش برای سه ماه این مملکت را اداره نمی توانند.

واه به حال این ملت که چگونه زندگی شان از هر نگاه دستخوش هوس های قدرت طلبی مشتبی بی باک، خود پرست، منفعت جو و امر بردار بیگانه گردیده و وطن شان محل آزمایش گوناگون استعمار نوین قرار گرفته است.

پایان بی پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ